[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**هست هست رفتن**



شهره موسوی

هست هست رفتن

تا خود خود رسيدن

تو اي بود خواست مرز شدن

و باور جان نياز سرودن

ببار و همچنان بي دريغ ببار

بر حال و جان مملوم از سرور

نهفته در طنين مشتعل از وفور

سوداي رهايي تا منتهاي آمال صعود

بشورانم و بِرَهان ابعاد وهم حقيقتهاي دروغين را

سيلاب خاموشي خست را

و چشم خواب آلود مست را

فريادم كن

تا سرآغاز دنياي عشق

از عمق سكوت سرشت

اي زمينم را آسماني

و اي دنيايم را آباداني

نواي رسيدنت باور عمريست

كه در هواي بودنت نبودنهايي را زيسته ام

من از هيچ جا ماندم

تا جشن پيوند با خويش را

از تو آغاز كنم

هست هست نياز

بمان و سپيده فروغ ديده ام باش

بمان و تنها براي خويشتم دليل ديرينه ام باش

همسفر كوچ به بي نيازي

لمس استغناي رهايي باش

سرودني سركن

آنچنان بي بدليل

چنان هيچكسِ رسيده

دلم شوق شنيدنت را

ساليانيست به آغوش كشيده